

Policymaking of Social Damages in the 60s

Mahdi Kaveh 

PhD Candidate of Sociology, Shiraz
University, Shiraz, Iran

Mansour Tabiee *

Assistant Professor of Sociology, Shiraz
University, Shiraz, Iran

Mahmood Shahabi 

Associate professor of Sociology, Shiraz
University, Shiraz, Iran

Habib Ahmadi 

Professor of Sociology, Shiraz University,
Shiraz, Iran

Abstract

Considering the close relationship between social policy making and political field, it's attempted to analyze forming of social policies related to social harms during the revolution as a turning point in political developments with a view to Foucault's theory of governance. In order to objectify the methodological steps, thematic analyses were used. Also in order to answer the research questions, the required data were used as non-reactive criteria and theoretical sampling method was used to select the samples. According to the prevailing social and political conditions, a revolutionary discourse that elaborates on the synchronization of moments of guilt / crime / harm, the dominance of the legal approach and judicial intervention, moral cleansing, protectionist policy-making and coping with disability. It made sense to dominate the sphere of social harm policy-making at the beginning of the revolution. In the discourse of this period, the social dimension of social harm policy-making in favor of the legal dimension was less considered. But the point to consider during the hegemony of policies was their social acceptance. It is necessary to pay serious attention to the issue of social acceptance, because social acceptance of any policy guarantees the success of that policy.

Keywords: Social Policy, Social Harms, Governance Theory, Revolutionary Policy.


The present paper is extracted from PhD Dissertation of Mehdi Kaveh, Shiraz University.


* Corresponding Author: tabiee46@gmail.com


How to Cite: Kaveh. M., Tabiee. M., Shahabi. M., Ahmadi, H. (2022). Policymaking of Social Damages in the 60s, *Quarterly Journal of Social sciences*, 28(95), 1-35.




سیاست گذاری آسیب‌های اجتماعی در دهه ۶۰

مهدی کاوه  دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

منصور طبعی  * استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

محمود شهابی  دانشیار جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

حبیب احمدی  استاد جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

چکیده

با توجه به ارتباط وثیق سیاست گذاری اجتماعی با ساحت سیاست، سعی بر آن است که شکل‌گیری سیاست‌های اجتماعی مربوط به آسیب‌های اجتماعی در دوران انقلاب به‌عنوان نقطه عطف تحولات سیاسی با عطف توجه به نظریه حکومت‌مندی میشل فوکو تحلیل شود. لذا به‌منظور عینیت‌بخشی به مراحل روشی کار تحلیل محتوای مضمونی مورد استفاده قرار گرفت. همچنین جهت پاسخ‌گویی به سؤالات پژوهش، داده‌های مورد نیاز از سنج‌های غیر واکنشی و برای گزینش نمونه‌ها از شیوه نمونه‌گیری نظری استفاده شد. یافته‌ها، حاکی از آن است که منطبق بر شرایط اجتماعی و سیاسی حاکم بر آن دوران، سیاست‌گذاری انقلابی که از ترکیب مضامین هم‌نشینی گناه/ جرم/ آسیب، سلطه رویکرد حقوقی و مداخلات قضایی انتظامی، پاک‌سازی اخلاقی، سیاست‌گذاری حمایتی و مواجهه با معلول‌ها، معنا یافته بود بر سپهر سیاست‌گذاری آسیب‌های اجتماعی در ابتدای انقلاب، تسلط یافت. به‌طور کلی، در سیاست‌گذاری این دوره، ابعاد اجتماعی سیاست‌گذاری آسیب‌های اجتماعی به نفع ابعاد حقوقی و قضایی کمتر مدنظر قرار گرفته است؛ اما نکته قابل تأمل و البته مثبت در جریان هژمون شدن، تدوین و اجرای سیاست‌های مزبور، پذیرش اجتماعی آن سیاست‌ها بود؛ بنابراین، لازم است در سیاست‌گذاری‌ها، به مسئله پذیرش اجتماعی آن توجه جدی شود، چراکه پذیرش اجتماعی هر نوع سیاستی، ضامن موفقیت و به ثمرنشتن آن سیاست است.

کلیدواژه‌ها: سیاست‌گذاری اجتماعی، آسیب‌های اجتماعی، نظریه حکومت‌مندی، سیاست گذاری انقلابی.

مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری مهدی کاوه، دانشگاه شیراز است.

* نویسنده مسئول: tabiee46@gmail.com

طرح مسئله

ناگفته پیداست که اغلب محققان، در بررسی آسیب‌های اجتماعی در ایران، مطالعات خود را صرفاً به برخی از شناخته‌شده‌ترین مظاهر مرتبط با آن همچون بیکاری، حاشیه‌نشینی، خشونت، طلاق، تورم و عوامل دیگر محدود کرده و در مقابل، از ابعاد پنهان و نامرئی مؤثر بر آسیب‌های اجتماعی که همان ورود قدرت به عرصه سیاست‌گذاری آسیب‌های اجتماعی است، غفلت می‌کنند؛ به عبارت دیگر، یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر وضعیت آسیب‌های اجتماعی به نحوه مواجهه سیاست‌گذاران با آن مربوط می‌شود. اصولاً پدیدار قدرت، همواره ارتباطی پیچیده با اخلاق و نظم اجتماعی برقرار می‌کند. کنترل، کاهش و دیگر روش‌های سیاست‌گذاری، بیش از آنکه ابزارهایی برای پیشگیری، اصلاح، بازدارندگی و یا احیای نظم اجتماعی باشند، مصداقی از اعمال سلطه نهاد قدرت محسوب می‌شوند. به دلیل همین پیوند ناگسستنی میان سیاست‌گذاری و قدرت است که هرگونه تغییری در شکل و ماهیت نهاد قدرت در ایران تأثیر قابل‌ملاحظه‌ای بر تحول سیاست‌گذاری آسیب‌های اجتماعی داشته است.

سیاست‌گذاری آسیب‌های اجتماعی در ایران با چالش‌هایی چند مواجه بوده است. قاراخانی (2020)، یکی از چالش‌های سیاست‌گذاری‌ها در ایران را ضعف گفتمان‌های مرتبط با سیاست‌گذاری‌ها می‌داند. از نظر وی، ضعف گفتمان‌های مرتبط با سیاست‌گذاری‌ها، سبب شده برخی از مسائل اجتماعی به‌مثابه مسئله تعریف‌نشده و به آن توجه نشود یا درباره مسئله‌مندی پاره‌ای از موضوعات نیز اتفاق‌نظری بین پژوهشگران و دانشگاهیان و دو گروه یادشده با سیاست‌گذاران به وجود نیاید (Qarakhani, 2020: 2). قدرت قابلیت تعریف و به مسئله تبدیل نمودن آسیب‌های اجتماعی را دارد. چراکه حکومت‌ها می‌توانند با بازتعریف آسیب‌های اجتماعی، پدیده‌ای را که قبلاً امری بهنجار تلقی می‌شد، به‌عنوان آسیب تعریف و یا موضوعی که قبلاً آسیب اجتماعی تلقی می‌گردید را هنجار جلوه دهند. در این چارچوب، گروه‌های سیاست‌گذار در فرایند سیاست‌گذاری، با چالش‌هایی از قبیل همه‌جانبه‌نگری در مقابل یک‌جانبه‌نگری، کنترل درونی در مقابل

کنترل بیرونی، نگاه دستوری از بالا به پایین در مقابل استفاده از همه ظرفیت‌های مردمی و حاکمیتی، جرم‌انگاری در مقابل جرم‌زدایی، تکیه بر رویکرد پیشگیرانه در مقابل رویکرد درمان‌مدار و پسینی، مواجهه با علت‌ها در مقابل مواجهه با معلول‌ها مواجه‌اند.

اگرچه، تجربه نشان داده است که در اغلب موارد سیاست‌گذاری‌های اجتماعی در ایران، از روندهای اجتماعی عقب است؛ یعنی تا زمانی که موضوعی به مسئله فراگیری تبدیل نشده باشد سیاست‌گذاری‌های مناسب در آن زمینه مطرح و اجرا نمی‌شود (Parvaai & Mousaei, 2020: 78)، به نظر می‌رسد در برهه‌ای از تاریخ ایران، آسیب‌های اجتماعی به‌عنوان مسئله مطرح و به موضوع مهم سیاست‌گذاری‌های دولتی تبدیل شده است. با این وجود، صرف‌نظر از مبدأ و نقطه آغازین مسئله‌مندی آسیب‌های اجتماعی در ایران و با توجه به طبقه‌بندی سعیدی (2011) از تحولات سیاست اجتماعی در ایران، به دو دوره قبل و بعد از انقلاب، به نظر می‌رسد، بنا به ماهیت و داعیه فرهنگی و اجتماعی انقلاب، مبنا قرار دادن آن، راهگشا خواهد بود. اهمیت این دوره تا جایی است که برخی از محققان معتقدند: «شناخت تحولات سیاست‌های اجتماعی - رفاهی در دولت‌های پس از انقلاب اسلامی از مهم‌ترین مباحث جامعه‌شناسی به شمار می‌آید» (AmjadI & Matlabi & Ganji, 2020: 178).

دلیل انتخاب برهه اول انقلاب اسلامی برای تحلیل آن است که انقلاب اسلامی ایران، به محض ظهور، موجبات تغییر و تحولات گسترده‌ای را در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی فراهم آورده است. با مذاقه بر شعارهای اولیه انقلاب مشخص می‌شود که با تفوق انقلاب، مسئله‌شناسی و سیاست‌گذاری برای حل مسئله در تمام ابعاد زندگی اجتماعی، رنگ و بویی دیگر به خود گرفته تا جایی که می‌توان انقلاب سال ۱۹۷۸ را نقطه گسستی در شیوه‌های سیاست‌گذاری دانست که به موازات آن، تشکیلات و مناسبات جدیدی (سازمان‌ها، نهادها و مؤسسه‌های دولتی و غیردولتی و اسناد، قوانین، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها) برای کنترل و کاهش آن سازمان‌دهی شده است.

دلیل دیگر واکاوی چگونگی سیاست‌گذاری آسیب‌های اجتماعی در ابتدای انقلاب

آن است که با سپری شدن بیش از ۴ دهه از آغاز انقلاب، افزایش بی‌رویه مسائل و آسیب‌های اجتماعی، بحرانی درون پارادایمی را در خصوص فرایند مسئله‌یابی و حل مسئله در عرصه اجتماعی به وجود آورده و با توجه به انسجام و همبستگی بیشتر و نیز فراوانی کمتر آسیب‌های اجتماعی در اوان انقلاب، آن دوره، جایگاه نوستالوژیک و به یادماندنی در اذهان عمومی و سیاست‌گذاران پیدا کرده است؛ بنابراین تحلیل محتوای سیاست گذاری آسیب‌های اجتماعی در ابتدای انقلاب، در کنار اطلاعات و توصیف‌هایی که در این خصوص وجود دارد، به تبیین هرچه بهتر مسئله و غنای علمی آن کمک خواهد کرد. بعلاوه اینکه، سیاست گذاری و تدوین راهبردهای سیاستی مؤثر در زمان حال، نیازمند رصد نقادانه سیاست گذاری‌های آسیب‌های اجتماعی است. در نتیجه انجام این مطالعه، ضمن امکان شناسایی معایب سیاست گذاری دوران انقلاب در عرصه آسیب‌های اجتماعی، فهم درست جامعه و سیاست‌مداران از سیر تطور و پیامدهای کنش‌ها و مداخلات در حیطه موضوعات و مسائل اجتماعی، حاصل و زمینه بسترسازی مناسب برای آینده سیاست گذاری آسیب‌های اجتماعی هموارتر خواهد شد.

هدف از انجام این پژوهش، شناسایی صورت‌بندی جدید سیاست گذاری آسیب‌های اجتماعی در ایران بعد از انقلاب اسلامی (دهه ۶۰) می‌باشد؛ بنابراین، پژوهش حاضر برای نیل به هدف فوق، سعی دارد تا با استفاده از روش کیفی (تحلیل محتوای مضمونی) به این سؤال پاسخ دهد که سیاست گذاری آسیب‌های اجتماعی در دهه ۶۰ پیرامون چه مضامینی شکل گرفته است؟ مضامین پایه، مضامین سازمان‌دهنده و نیز مضمون فراگیر مسلط در سیاست گذاری این دوره چه مضامینی بوده‌اند؟

پیشینه تحقیق

اگرچه، موضوع سیاست اجتماعی به‌تازگی در فضای علمی جایگاه خود را پیدا کرده و ضمن پرداختن به ابعاد مختلف سیاست گذاری اجتماعی، توجه به آن روزبه‌روز بیشتر شده، با این وجود یکی از زمینه‌هایی که کمتر مورد توجه محققان قرار گرفته، سیاست گذاری در عرصه آسیب‌های اجتماعی و فراز و فرود آن بوده است.

بررسی‌های انجام‌شده در حوزه آسیب‌های اجتماعی نیز حاکی از آن است که باوجود آنکه آسیب‌های اجتماعی چندین دهه است در کانون پژوهش‌های مربوط به علوم انسانی و اجتماعی قرار گرفته و پژوهش‌های فراوان در این خصوص انجام‌شده، اما هرچقدر موضوع محدودتر می‌شود تا به موضوع پژوهش حاضر برسد از دامنه پژوهش‌ها کمتر می‌شود تا جایی که می‌توان اذعان داشت؛ در مورد موضوع خاص «سیاست‌گذاری آسیب‌های اجتماعی در ایران دهه ۶۰» تاکنون پژوهشی صورت نگرفته است. بااین‌وجود، در زیر به تعدادی از پژوهش‌های مرتبط با موضوع پژوهش، به تفکیک پیشینه داخلی و خارجی، اشاره می‌گردد.

پژوهش‌های داخلی

نوربخش و نادری (2019) در پژوهشی با عنوان «تحلیل روابط دولت و جامعه و نقش آن در شکل‌گیری مسائل اجتماعی و وضعیت آنومیک در جامعه» به شیوه تحلیلی، انواع روابط دولت و جامعه را در شکل‌گیری مسائل اجتماعی موردبررسی قرار می‌دهند. فرض مقاله این است چنانچه روابط دولت-جامعه در همکاری با یکدیگر دچار بی‌ثباتی، ازهم‌گسیختگی و شکنندگی شود، بافت اجتماعی (جامعه) و قاعده‌مندی مدیریت سیاسی (دولت) با ضعف عملکردی مواجه خواهد بود و این یکی از نشانه‌های پیکره‌بندی اجتماع آنومیک است. در این فرآیند، انواع روابط دولت-جامعه در انتظام‌بخشی و روند تحول جامعه تأثیر می‌گذارند و هرگونه شکنندگی و ضعف در این رابطه، به وضعیت آنومیک دامن‌زده و سرانجام باعث شکل‌گیری انواع مسائل اجتماعی می‌شوند.

سام‌آرام، حسینی‌حاجی‌بکنده و موسوی‌چلک (2016) در پژوهشی با عنوان «سیاست‌گذاری اجتماعی در حوزه آسیب‌های اجتماعی در قوانین برنامه توسعه کشور» با توجه به ماهیت مسئله پژوهش به‌صورت اسنادی و کتابخانه‌ای، محتوای کلیه سیاست‌های کلی ابلاغی برنامه‌های پنج‌ساله توسعه کشور پس از انقلاب اسلامی ایران و احکام قوانین شش برنامه توسعه را موردبررسی قرار داده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که در برنامه چهارم و نیز برنامه ششم توسعه، مسئله آسیب‌های اجتماعی بیش از سایر برنامه‌های توسعه موردتوجه

قرار گرفته است. کم‌ترین توجه به آسیب‌های اجتماعی و سیاست گذاری در این زمینه، شامل برنامه‌های اول، دوم و پنجم می‌باشد.

میرزامحمدی (2015) در پژوهشی با عنوان «ساخت گفتمانی قوانین کنترل اجتماعی مجلس شورای اسلامی (مقایسه روند گفتمانی دوره‌های دوم، ششم و هفتم مجلس)» ضمن ترکیب روش تحلیل گفتمانی لاکلا و موفه ۲ و روش تحلیل گفتمانی فرکلاف، سه گفتمان را از هم تمیز داده است: گفتمان مجازات، گفتمان ترمیم و گفتمان رجعت ارزشی. برابر یافته‌های این پژوهش، با توجه به سیر حرکت گفتمان‌های مزبور از به‌کارگیری عنصر مجازات به سوی کاربست عنصر مؤثرتر درمان، توان‌بخشی و پیشگیری و نیز، با وجود تغییر نگرش، از رویکرد سلبی به سوی نگاه و رویکرد ایجابی و به‌رغم تلاش در راستای اتخاذ رویکرد اجتماعی در کنار توجه به رویکرد اقتصادی و سیاسی، ولی در پاسخگویی به مطالبات کنترل اجتماعی موفقیت چندانی کسب نموده است.

خاشعی و مستمع (2013) در پژوهشی با عنوان «سیاست گذاری فرهنگی در وضعیت آنومی فرهنگی و اجتماعی» بروز ناهنجاری‌های اجتماعی به‌ویژه در مناطق حاشیه شهر کرج را با استفاده از دو روش کمی و کیفی مورد مطالعه قرار داده‌اند. مطابق نتایج، اگرچه مناطق حاشیه‌ای مولد آنومی هستند، اما آنومی صرفاً به حاشیه‌نشین‌ها تعلق ندارد، بلکه فراتر از مرزبندی جغرافیایی مولود تنوع فرهنگی و رویه‌های متفاوت اجتماعی است؛ بنابراین سیاست گذاری‌ها باید با در نظر گرفتن شرایط فرهنگی و اجتماعی هر منطقه صورت گیرد.

پژوهش‌های خارجی

صائبو ۳ (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان «دور از دخانیات؟ درک اولیه تنباکو به‌عنوان یک مسئله و تنظیمات سیاسی مرتبط با آن در نروژ ۱۹۰۰-۱۹۳۰» به دنبال شناسایی نحوه مسئله‌مندشدن سیگار و تنباکو در نروژ و تنظیمات سیاسی حاکمیت برای کنترل آن بوده

است. یافته‌ها حاکی از آن است که: الف) در آن سال‌ها، تنباکو به‌عنوان یک مسئله اجتماعی و یک رذیلت اخلاقی درک می‌شد که مانند الکل مشکلی رفتاری و اعتیادآور نیست. ب) پیشنهاد ایجاد انحصار تنباکو فقط بر اساس دلایل اقتصادی بود و ارتباط مسائل اجتماعی، بهداشت و اخلاق با آن مورد توجه قرار نگرفت. ج) جنبش ضد دخانیات از نظر اجتماعی حاشیه‌ساز بود و در واقع برای تأثیرگذاری، ایده بسیار بزرگ و دست‌نیافتنی‌ای بود.

گلسمن ۱، کارنو ۲ و اردم ۳ (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان «مسائل و موانع قانون RHYA به‌عنوان یک سیاست اجتماعی» به‌مرور نگرش‌ها و موانع موجود در مورد قانون RYHA (قانون کودک‌فرار و بی‌خانمان) به‌عنوان یک سیاست اجتماعی در حوزه آسیب‌های اجتماعی ایالات متحده پرداخته‌اند. این پژوهشگران راه‌حل‌های مختلفی را از سطح خرد تا کلان برای رفع موانع این سیاست اجتماعی ارائه داده‌اند؛ از جمله اینکه تعریفی که در این قانون از کودک‌فرار و بی‌خانمان شده است با تعریف بین‌المللی از این مفهوم جایگزین شود. آن‌ها پیشنهاد می‌کنند که برای اجرای صحیح این سیاست، ایالات متحده ابتدا باید کنوانسیون حقوق کودک را بپذیرد.

شیندلر ۴ (۲۰۱۰)، در پژوهشی با عنوان «تبارشناسی مسئله بی‌خانمانی و بی‌خانمان‌ها در استرالیا»، به دنبال فهم نحوه مسئله‌مند شدن بی‌خانمانی و بی‌خانمان‌ها در استرالیا بوده است. از نظر وی، افراد بی‌خانمان برای قرن‌ها به‌عنوان گروهی از مردم که مرتبط با جرم و جنایت بوده و به‌خاطر ولگردی و بی‌خانمانی، به شکل خودمختاری عمل می‌کردند، شناخته می‌شدند؛ اما بعدها و به دلیل برخی عوامل اقتصادی و اجتماعی و سیاسی، بی‌خانمان‌ها در زمره فقرا قرار گرفتند با این ویژگی که نیازمند حمایت و برخورداری از استانداردهای زندگی هستند.

در مجموع مطالعات انجام‌شده، با وجود ارائه یافته‌ها و نتایج ارزشمند درخصوص

1. Glassman
2. Karno
3. Erdem
4. Schindeler

سیاست گذاری آسیب‌های اجتماعی در ایران، هر کدام به فراخور موضوع و مسئله خود، فقط به یکی از مسائل و آسیب‌های اجتماعی پرداخته (بی‌خانمانی، دخانیات، قوانین کنترل اجتماعی، هویت‌سازی، حجاب و پوشش و ...) و بخشی از مسائل پیرامون این موضوع را مورد تحلیل و بررسی قرار داده‌اند. در حالی که این پژوهش در نظر دارد که سیاست گذاری آسیب‌های اجتماعی را در کلیت آن مورد مطالعه قرار دهد.

چارچوب مفهومی تحقیق

با توجه به اینکه تحقیق حاضر، مطالعه‌ای کیفی است، چارچوب نظری خاصی مفروض گرفته نمی‌شود بلکه از مفاهیم حساس نظری برای افزایش و ارتقاء حساسیت‌های نظری نسبت به موضوع مورد مطالعه استفاده می‌شود. در این چارچوب، تمرکز اصلی در تحقیق حاضر جهت تحلیل سیاست گذاری آسیب‌های اجتماعی در ایران، «حکومت‌مندی»^۱ میشل فوکو می‌باشد. با بررسی و تحلیل رویکرد فوکو در خصوص حکومت‌مندی، مشخص می‌گردد که این مفهوم، ابزاری تحلیلی برای چگونگی حکومت کردن و نیز، حکومت شدن می‌باشد. از نگاه جلالی‌پور و همکاران (2012:194)، با توجه به اتکا رویکرد حکومت‌مندی به تجزیه و تحلیل سیاست گذاری اجتماعی از سه بُعد عقلانیت، تکنولوژی و سوژه حکومت، قابلیت کاربرد برای تحلیل سیاست گذاری اجتماعی را دارد.

فوکو در بررسی تبارشناسی سوژگی، یعنی نهادها و اعمالی که در شکل دادن انسان به مثابه سوژه- و البته ابژه- دخیل بوده‌اند، به مفهوم مهم Governmentality اشاره می‌کند. به‌زعم فوکو، اساساً جمعیت به منزله سوژه‌ی نیازها و تمایلات و نیز ابژه‌ای در دستان حکومت ظاهر می‌شود؛ یعنی جمعیت چیزی شد که حکومت می‌بایست آن را در ملاحظاته‌ش در نظر می‌گرفت تا بتواند به شیوه‌ای عقلانی و سنجیده به‌طور کارآمدی حکومت کند (Foucault, 2017: 258). این‌گونه، افراد جامعه به سوژه و ابژه تبدیل شدند؛ یعنی از یک طرف، سوژه‌ی نیازها و خواسته‌ها و از طرف دیگر، ابژه‌ی زیست-قدرت.

فوکو معتقد است، حکومت، نه صرفاً فعالیت‌ها و ساختارهای دولت، بلکه همه انواع پیچیده‌ای را فرا می‌گیرد که در خلال آن‌ها، جمعیت‌ها و خودها، در نهادهای گوناگون، مثل خانواده، مدرسه و دانشگاه، جامعه، محل کار و... مدیریت، راهبری، تنظیم و کنترل می‌گردند (McDonald & Mareston, 2006: 1). از نظر فوکو، حکومت‌مندی، به مجموعه‌ای از نهادها، موسسه‌ها، روندها، تحلیل‌ها، محاسبه‌ها و تاکتیک‌هایی گفته می‌شود که اعمال این نوع ویژه و پیچیده قدرت را امکان‌پذیر می‌سازند، قدرتی که هدف اصلی آن جمعیت، شکل و فرم اصلی دانش آن، اقتصاد سیاسی و ابزار تکنیکی اصلی و ذاتی‌اش، سامانه‌های امنیت می‌باشد (Foucault, 2011: 26). به عبارت دیگر، حکومت‌مندی، تلاشی است جهت ایجاد سوژه‌های حکومت‌پذیر به وسیله تکنیک‌های گوناگونی که به منظور شکل‌دهی، کنترل و به‌هنجارسازی رفتار مردم توسعه یافته‌اند (Lemke, 2000: 2-3).

فوکو، مفهوم حکومت‌مندی را به «مسئله‌سازبودن حکومت»^۱ مربوط دانسته (Sleep, 2006: 5) و به دنبال آن است که اثبات کند، سوژه‌ها در هر دوره تاریخی، از طریق فرایند «به مسئله تبدیل شدن»^۲ آماج تنظیم اجتماعی بوده‌اند.

وقتی می‌گوییم من «به مسئله تبدیل شدن» دیوانگی، جرم یا سکسوالیته را بررسی می‌کنم، این به معنای انکار واقعیت این پدیده‌ها نیست. برعکس، من سعی کرده‌ام نشان دهم در هر دوره دقیقاً موجودی واقعی در جهان آماج تنظیم اجتماعی بوده است. پرسشی که من طرح می‌کنم این است: چگونه و چرا چیزهایی چنین متفاوت در جهان، گرد آمده‌اند و به منزله‌ی مثلاً «بیماری ذهنی» سرشت‌نمایی، تحلیل و نگریسته شده‌اند. کدام‌اند عناصری که مناسب چنین به مسئله تبدیل‌شدنی هستند؛ و گرچه من نمی‌گویم که آنچه «اسکیزوفرنی» توصیف می‌شود متناظر با چیزی واقعی در جهان است، ولی این هیچ ربطی به ایدآلیسم ندارد. برای این که من فکر می‌کنم میان چیزی که به مسئله تبدیل می‌شود و فرایند به مسئله تبدیل‌شدن رابطه‌ای وجود دارد (Foucault, 1985: 115).

-
1. Problematic of government
 2. Problematization

ایندا (۲۰۰۵) دیدگاه حکومت‌مندی را حول سه محور اصلی به گونه‌ای طبقه‌بندی نموده که امکان استفاده از آن، در خصوص مسائل و موضوعات سیاست‌گذاری اجتماعی وجود داشته باشد. در ادامه این سه محور، به اختصار بیان می‌گردد.

عقلانیت‌های حکومت^۲

اولین موضوع محوری و کلیدی در ادبیات حکومت‌مندی، مربوط به عقلانیت‌های حکومت می‌باشد. عقلانیت‌های حکومت به معنای سیستم‌های فکری و اندیشه‌ای است که به گونه‌ای واقعیت را قابل تفکر نشان می‌دهند که قابل محاسبه و حکومت کردن به نظر آیند. این عقلانیت‌ها، اشاره بر استدلال سیاسی پنهان در گفتار حکومتی، زبان و الفاظ حکومت سیاسی، تشکیل بسترها و موضوع‌های قابل مدیریت و انواع گوناگون حقیقت و دانش و کارشناسی‌ای دارند که جملگی این‌ها به یک کردار حکومتی قدرت و اقتدار می‌بخشند. به‌طور مختصر، عقلانیت‌های سیاسی به معنای بستر و زمینه‌ای است که در قالب آن، کوشش‌های فراوانی جهت عقلانی نمودن ماهیت، فرایندها، اهداف و شاخص‌های اقتدار حکومتی صورت می‌پذیرد (Burshel & Gordon & Miller, 1991: 2).

تکنیک‌ها/تکنولوژی‌های حکومت

دومین موضوع محوری در زمینه تحلیل حکومت که در ادبیات حکومت‌مندی استفاده زیادی از آن شده است، تکنیک‌ها و تکنولوژی‌های حکومت کردن است؛ بدین معنا که حکومت، به چه نحوی، فرمی تکنولوژیک یا عمل‌گرا پیدا می‌کند. فرم تکنولوژیکی حکومت، به فرایندهای عملی، ابزارها و وسایل، محاسبه‌ها، روندها، سازمان‌ها و اسنادی مرتبط می‌شود که نهادهای مختلف تلاش می‌کنند به وسیله آن‌ها، رفتار، فکر، تصمیم و مقاصد دیگران را به جهت نیل به سوی اهدافی که مورد رضایت و مطلوب خودشان است، شکل داده و بهنجار سازند (Rose & Miler, 1992: 2). این محور، مشتمل بر مجموعه‌ای

1. Inda

2 governmental rationalities.

از تکنیک‌ها، تکنولوژی‌ها، ابزارها، اهرم‌ها، رویه‌ها و برنامه‌هایی است که تلاش دارند فکر و اندیشه را به کردار تبدیل و درنهایت، عقلانیت‌های حکومت (خردهای سیاسی) را محقق سازند.

سوژه‌های حکومت

سومین موضوع و محور کلیدی، سوژه‌های حکومت است. سوژه‌های حکومت، گونه‌های مختلف خودها، کنشگران یا عاملیت‌هایی است که در نتیجه یک عمل حکومتی ایجاد می‌شوند یا اقدام به اطلاع‌رسانی آن می‌کنند. بر اساس چارچوب تحلیل حکومت‌مندی، تحلیل سوژه‌های حکومت در دو سطح قابل پیگیری است:

در یک‌سو، کانون تمرکز سوژه‌های حکومت، توجه به این مسئله است که به چه نحوی کردارها و برنامه‌های حکومتی تلاش می‌کنند تا انواع ویژه‌ای از هویت فردی و جمعی و نیز انواع ویژه‌ای از عاملیت و ذهنیت را تولید و بازتولید کنند. تأکید خاص این محور بر آن است که حکومت، چگونه و به چه شکلی در ساخت و تکوین سوژه‌های مدرن درگیر می‌شود؛ فرقی هم نمی‌کند که این سوژه، کارگر، شهروند مصرف‌کننده یا دانش‌آموز و... باشد (Jalaeipoor & Saeidi & Habibpoor, 2012: 188).

در سطح دیگر، کانون تمرکز تحلیل سوژه‌ها، توجه به این مسئله است که عاملیت‌های خاص، به چه شکلی خودها و هویت‌هایشان را به وجود می‌آورند. ایده بنیادی آن است که کردارهای حکومتی تلاش دارند اشکال خاصی از سوژه‌ها را شکل دهند؛ اما این موضوع، معنایش آن نیست که آن‌ها لزوماً و حتماً به‌طور کامل در این کار موفق خواهند بود. سوژه‌ها می‌توانند در خصوص این فرایندها، با سایر سوژه‌ها مذاکره و همکاری کنند (Jalaeipoor & Saeidi & Habibpoor, 2012: 189).

درنهایت، در چارچوب دستگاه نظری حکومت‌مندی، عقلانیت حکومت، تکنیک‌های حکومت، به مسئله تبدیل شدن، سوژه، به‌هنجارسازی، تنظیم‌گری و تنظیم اجتماعی، موضوعات محوری هستند که قدرت تحلیلی بالایی در ربط حکومت‌مندی و سیاست‌گذاری آسیب‌های اجتماعی دارند. بر این اساس، هر عقلانیت حکومت (در اینجا

گفتمان سیاست گذاری آسیب‌های اجتماعی)، پس از «به مسئله تبدیل کردن» (Foucault, 1985: 115) آسیب‌ها، به تکنیک‌ها یا شیوه‌هایی راه می‌برد که رفتار سوژه‌ها را در جهت حصول اهداف خود «آماج تنظیم اجتماعی» (Ibid) می‌کند. در واقع، این شیوه‌ها یا همان تکنیک‌ها در درون نهادهای معینی تعبیه شده و کارویژه‌ی انضباطی دارند. هدف این تکنیک‌های حکومت، به‌هنگارسازی سوژه‌ها در سطح بدن‌ها و ذهن‌ها یعنی همان اثره کردن سوژه است. در این پژوهش، سیاست گذاری آسیب‌های اجتماعی در دهه ۶۰، به‌مثابه عقلانیت‌های حکومت، ضمن تعریف آسیب‌های اجتماعی به‌عنوان مسئله، تکنیک‌ها و شیوه‌هایی را برای به‌هنگارسازی سوژه‌ها و درنهایت تنظیم نظم اجتماعی به کار می‌گیرد.

روش پژوهش

با توجه به اینکه هدف پژوهش اکتشافی است و پژوهش، به دنبال ساخت مفاهیم، الگوها و چارچوب‌ها است اغلب یافته‌های نهایی از پیش موجود نیستند. محققین برای استخراج داده‌ها و مؤلفه‌ها، با استفاده از روش تحلیل مضمون که می‌توان آن را یکی از روش‌های تحلیل محتوای کیفی نامید، سعی در کشف مضامین و استخراج شبکه مضامین دارند. در تحلیل محتوای مضمونی، توجه پژوهشگر بیش از هر چیزی، بر محتوا و مضامین پیام و متن متمرکز می‌باشد. در این روش پژوهشگر سعی می‌کند به‌جای بهره‌مندی از مقیاس‌ها و پرسشنامه‌های از قبل طراحی شده، مضامین موجود در متن را موردبررسی قرار دهد (Neuendorf, 2016: 192-193).

بنابراین، به‌منظور پاسخ‌گویی به سؤالات پژوهش، داده‌ها و اطلاعات موردنیاز از سنجه‌های غیرواکنشی فراهم گردیدند. همه منابع موجود درباره سیاست گذاری آسیب‌های اجتماعی در دهه ۶۰ جزء دامنه پژوهش حاضر بود. روند رجوع به منابع برحسب اهمیت بدین ترتیب است:

۱. مستندات منتشرشده سازمان‌ها و مؤسسات دخیل در امر سیاست گذاری آسیب‌های اجتماعی، شامل بیانیه مأموریت و آیین‌نامه‌ها و اطلاعیه‌ها و شرح برنامه‌ها، لوایح مربوطه، اسناد بالادستی، برنامه‌های توسعه؛

۲. مصاحبه‌ها و سخنرانی مدیران؛
۳. کتاب‌های منتشر شده دربارهٔ سیاست‌گذاری آسیب‌های اجتماعی؛
۴. اظهارنظرهای رسمی و غیررسمی مدیران و مسئولین امر؛
۵. فیلم‌ها و مستندات و ویدئوهای موجود در خصوص آسیب‌های اجتماعی؛
۶. مقالات آکادمیک و مطالعات موردی در خصوص آسیب‌های اجتماعی؛
۷. مقالات روزنامه‌ای و ژورنالیستی در خصوص آسیب‌های اجتماعی.

از آنجا که هدف تحلیل محتوای مضمونی، نه تعمیم‌یافته‌ها، بلکه پی بردن به اعماق پدیده‌ها است؛ در این مطالعه، برای گزینش نمونه‌ها از شیوه نمونه‌گیری نظری استفاده شده است. از میان راهبردهای ده‌گانه نمونه‌گیری هدفمند (Patton, 2002) از راهبرد نمونه‌گیری با حداکثر تنوع استفاده شد. در این راستا تلاش گردید، در گردآوری مطالب برای تنوع نمونه‌ها از همه اسناد، اشخاص، سازمان‌ها و تخصص‌های دخیل در امر سیاست‌گذاری آسیب‌های اجتماعی انتخاب شوند؛ مشروط به اینکه، حتی‌الامکان نمونه‌ای غنی از اطلاعات که بالاترین ارتباط با مسئله پژوهش دارند را دارا باشند که این مسئله موجبات حصول زودتر محقق به مرحله اشباع را فراهم خواهد ساخت

از آن‌رو که روش تحلیل مضمون متن را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد، بنابراین، چگونگی جمع‌آوری اطلاعات، در چارچوب چرخه‌های برداشت از متن صورت می‌پذیرد. در حقیقت، محقق با پیمودن مسیرهای رفت و برگشتی داخل متن، به فهم و درک بهتری از متن نائل می‌شود. در هر بار رفت و برگشت بر روی متون، یافته جزئی که با سایر یافته‌های متون پیشین ناسازگار و متناقض باشند، کنار گذاشته می‌شوند. این مسیر تا زمانی ادامه پیدا می‌کند که درک و فهم قابل قبولی از متن به دست آید که دارای کمترین میزان تناقض باشد (Patton, 2002: 141).

در تحلیل مضمون، تجزیه و تحلیل اطلاعات بر اساس فرآیند کدگذاری است. تم یا مضمون نشانگر موضوع مهمی در داده‌ها در ارتباط با سؤالات پژوهش بوده و به دنبال آن است تا معنی و مفهوم موجود در الگوی مجموعه‌ای از داده‌ها را نمایش دهد (Braun, 2006). مضمون، الگویی در میان داده‌هاست که حداقل به توصیف و ساماندهی مشاهدات و حداکثر به تفسیر ابعادی از پدیده مورد بررسی می‌پردازد (Boyatzis, 1998: 4). مضامین

گوناگون با یکدیگر، شبکه مضامین را شکل می‌دهند. شبکه مضامین بر اساس یک رویه مشخص، مضامین زیر را نظام‌مند می‌کند:

مضامین پایه: (کدها و نکات محوری موجود در متن)

مضامین سازمان‌دهنده: (مقولات حاصل از ترکیب و تلخیص مضامین پایه)

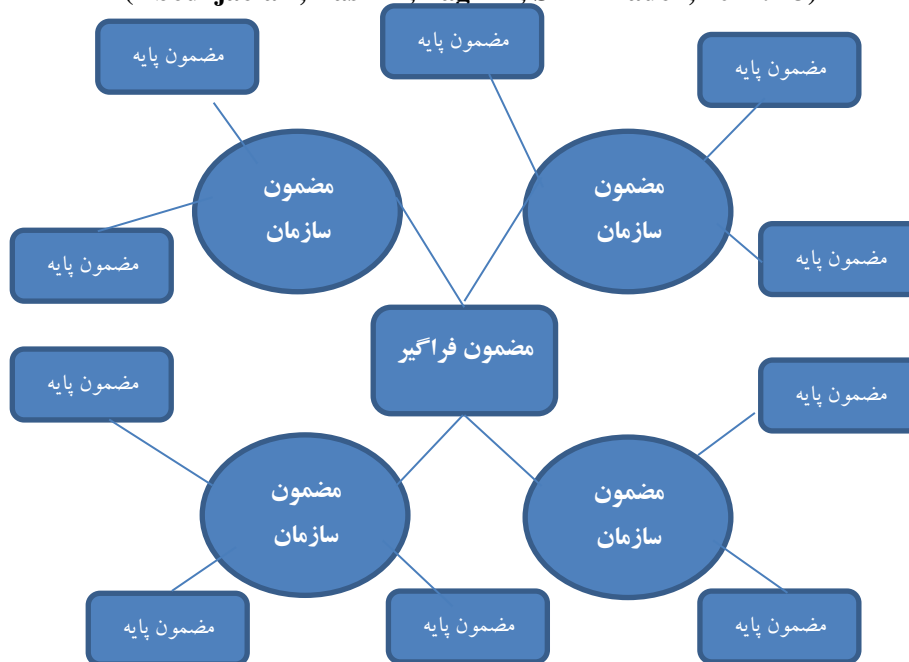
مضامین فراگیر: (مضامین عالی مشتمل بر اصول حاکم بر متن به‌عنوان یک کل).

در ادامه، این مضامین به‌صورت نقشه‌های شبکه مضامین ترسیم می‌گردند که در آن مضامین اصلی هر یک از سه سطح مزبور، همراه با روابط بین آن‌ها به نمایش درمی‌آیند. شبکه مضامین، به‌مثابه رویه‌ای به‌منظور تهیه مقدمات تحلیل یا نمایش نتایج پایانی تحلیل نیست، بلکه تکنیکی جهت شکستن متن و کاوش نکات معقول و برجسته درون‌متن می‌باشد (Abedi jaefari, Taslimi, Faghihi, Shikh zadeh, 2017: 170).

شکل ۱. ساختار شبکه مضامین

(Abedi jaefari, Taslimi, Faghihi, Shikh zadeh, 2017: 23)

Fig 1. The structure of the thematic network
(Abedi jaefari, Taslimi, Faghihi, Shikh zadeh, 2017: 23)



بر این روال، سعی می‌گردد، ضمن مطالعه متون موردبررسی، در چرخه‌های برداشت از متن، مضامین پایه موجود در سیاست‌گذاری‌ها استخراج و مضامین سازمان‌دهنده از میان آن‌ها شناسایی شده و در نهایت مضمونی که دربرگیرنده کلیه مضامین بوده و توانایی تفسیر آن‌ها را داشته باشد، به‌عنوان مضمون فراگیر سرهم‌بندی و تشریح گردد.

یافته‌های تحقیق

به‌طور کلی، در وضعیت پساانقلابی تحولات و دگرگونی‌های بزرگی سراسر جامعه را در برمی‌گیرد. برنامه‌ها و اقدامات پیشین در همه حوزه‌ها معدوم و مفاهیم به‌کلی بازتعریف می‌شوند. در ایران نیز، اگرچه به‌ندرت زمره‌هایی برای حفظ وضع موجود و یا اصلاح امور بود اما با وقوع انقلاب، مقدمات صورت‌بندی شرایط جدید در حوزه اجتماعی و سیاسی مهیا و ضرورت تغییر کلان در همه عرصه‌ها وارد فضای فکری و سپهر اجتماعی حاکم شد. بر این اساس، سیاست‌گذاری آسیب‌های اجتماعی، تحت‌تأثیر شرایط انقلابی با غیریت‌سازی گفتمان مسلط پیشین و سایر رویکردهایی که در پی اصلاح امور بودند، در مقایسه با پیش از انقلاب، مشتمل بر نظامی کاملاً متفاوت از نظر تعریف و حدود مرز جرائم و آسیب‌های اجتماعی و شیوه مواجهه با آن‌ها به وجود آمد تا جایی که می‌توان گفت، این انقلاب، انقلابی در شیوه‌های کنترل و سیاست‌گذاری اجتماعی نیز به شمار می‌رود.

برای شناسایی چگونگی سیاست‌گذاری آسیب‌های اجتماعی در دوره موردبحث، ابتدا با استفاده از تکنیک چرخه‌های برداشت از متن، مضامین پایه بسیاری شناسایی و با تحلیل آن‌ها، مضامینی با سطح انتزاع بالاتر، سازمان‌دهی شده و در نهایت از سرهم‌بندی مضامین سازمان‌دهنده، مضمون فراگیر سیاست‌گذاری انقلابی انتزاع یافت. یافته‌های مزبور، ابتدا در قالب جدول ذیل ارائه گردیده، آنگاه در ادامه با تفصیل بیشتر تشریح می‌گردد.

جدول ۱. مفاهیم و مقولات اصلی گفتمان انقلابی

Table 1. Concepts and main categories of revolutionary discourse

مضمون فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه
سیاست گذاری انقلابی	هم‌نشینی گناه / جرم / آسیب	گناه تلقی نمودن آسیب‌های اجتماعی، جرم‌انگاری بی‌حجابی، مهاجرت به‌متابه گناه و مخدوش‌کننده ارزش‌های اسلامی، غیر اسلامی دانستن تصرفات غیرقانونی اراضی که منجر به اسکان غیررسمی و گسترش حاشیه-نشینی می‌شود، بازاندیشی کودکانی و مناسبات مربوط به آن از زاویه شرعی و دینی، مکلف نمودن قضات به رجوع به منابع فقهی معتبر یا فتاوی‌ای قابل اعتماد
	رویکرد حقوقی و مداخلات قضایی-انتظامی	جرم‌انگاری هرچه بیشتر، اجباری شدن حجاب، جرم تلقی کردن «تکدی-گری» و «ولگردی»، تصویب قانون تشدید مجازات مرتکبان جرائم مواد مخدر، دستگیری و محاکمه، مصادره اموال و افزایش آمار زندانیان، راه-اندازی گشت‌ها
	پاک‌سازی اخلاقی	اتخاذ رویکرد عقیفانه در روابط اجتماعی و عفت عمومی در عرصه جامعه، جلوگیری از ترویج فرهنگ مبتدل و غربی از طریق ویدئو و سینما و حتی تلویزیون، جمع کردن کاباره‌ها و مشروب‌فروشی‌ها، پرهیز از آموزش اختلاط جنسیتی در مدارس و دانشگاه‌ها، مجامع عمومی و اتوبوس‌ها، ممنوعیت ورود فیلم خارجی، تصویب قانون بازسازی نیروی انسانی وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی
	معلول‌محوری	تمرکز بر کنترل گروه‌ها و اقشار آسیب‌رسانان، تمرکز بر کنترل گروه‌ها و اقشار آسیب‌دیده (انقلابیون، زنان، کودکان، زندانیان، معتادان، تهی‌دستان، زاغه‌نشینان، آلونک‌نشینان) و تمرکز بر خود آسیب‌ها، بی‌توجهی به علل آسیب‌ها، اتخاذ سیاست‌های مراقبتی
	اتخاذ رویکردهای حمایتی: حمایت از مستضعفین	راه‌اندازی حساب ۱۰۰ امام، راه‌اندازی تعاونی‌های روستایی مصرف-کنندگان و تشکیل شوراهای محلات، حمایت و پشتیبانی از تأسیس خیریه-ها و بنیادهای حمایتی از جمله بنیاد هدایت اسلامی، اولویت دادن به تأمین مسکن برای اقشار محروم و روستاییان کشور، گسترش رسمی محدوده شهر تهران، تشکیل و راه‌اندازی بنیاد مستضعفان، کمیته امداد امام خمینی (ره)

برابر بررسی‌های به‌عمل آمده، مضمون فراگیر سیاست گذاری انقلابی از سرهم‌بندی، سلطه

رویکرد حقوقی و مداخلات قضایی - انتظامی، جرم‌انگاری و تشدید مجازات، هم‌نشینی گناه/ جرم/ آسیب، پاک‌سازی اخلاقی و معلول‌محوری، مقوله‌بندی شده که در ادامه ابتدا به تفکیک مضامین سازمان‌دهنده به همراه مضامین پایه مربوط به آن ارائه شده و در نهایت مضمون فراگیر، تشریح می‌گردد.

هم‌نشینی گناه / جرم / آسیب

یکی از مهم‌ترین مضامین سازمان‌دهنده سیاست‌گذاران، مضمون هم‌نشینی گناه / جرم / آسیب می‌باشد. با عنایت به ابتدای انقلاب اسلامی به ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی، آسیب اجتماعی نیز متأثر از همان اصول و ارزش‌های بنیادین بازتعریف شده و در پاره‌ای مواقع، مفاهیم گناه، جرم و آسیب به جای هم به کار می‌رفت. گفتمان مسلط در صدد برآمد ضمن هژمونیک نمودن قرائت خود و علاوه بر ارائه تعریفی جدید از ناهنجاری و آسیب، با گناه تلقی نمودن آسیب‌های اجتماعی، آن را به کنترل خود درآورد. بی‌حجابی که در ادبیات دینی به عنوان گناه شناخته می‌شد، نیز به عنوان یک آسیب و منکر مورد تقبیح انقلابیون قرار گرفته و به دفعات در مورد آن قوانین محدودکننده‌ای وضع و حتی، بی‌حجابی جرم شناخته شد.^۱ ارتکاب گناه و معصیت به عنوان آسیبی اجتماعی تعریف و سیاست‌هایی برای مواجهه و کنترل آن اعمال می‌شد. این رویکرد به تدریج توانست صحنه سیاست‌گذاری را در دست گرفته و البته با توجه به مقبولیت دیرینه اسلام و احکام اسلامی در میان ایرانیان، با اقبال عمومی نیز مواجه شود. این مسئله تا جایی پیش رفت که حتی برای مواجهه با برخی از آسیب‌های اجتماعی، سیاست گناه تلقی نمودن آن آسیب به عنوان راهکاری مؤثر برای کنترل و کاهش آن در پیش گرفته شد. به عنوان مثال، در بهمن‌ماه سال ۱۳۶۲، وقتی حبیبی، شهردار تهران از امام خمینی خواست که با توجه به شدت مهاجرت در کشور و عواقب ناگوار ناشی از کنترل آن، اعلام وضع فوق‌العاده کنند، مهاجرت به عنوان امری گناه که

۱. تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی: زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند، به حبس از ده روز تا دو ماه یا از پنجاه هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد.

ارزش‌های اسلامی را مخدوش می‌سازد بازنمایی شد و «امام جمعه‌ها بسیج شدند تا در باب گناه بودن مهاجرت به شهرها صحبت کنند» (Bayat, 2017: 186)، حتی شهردار باختران آن را «نابودکننده ارزش‌های اجتماعی و اسلامی» (Etelaat NewsPaper, 1984/2/18) معرفی کرد. در قضیه تصرفات غیرقانونی اراضی که منجر به اسکان غیررسمی و گسترش حاشیه‌نشینی می‌شد نیز، مقامات با تکیه بر روحانیون عالی‌رتبه‌ای چون آیت‌الله قمی و مرعشی، با استفاده از استدلال‌های مذهبی، فتاوی صادر کردند و اشغال‌خانه‌ها را حرام و غیراسلامی دانستند. در یک مورد بخصوص در مشهد اعلام کردند که «عبادت مسلمین در چنین خانه‌هایی مورد قبول واقع نمی‌شود» (Bayat, 2017: 186)

این‌همانی گناه و فعل حرام با جرم نیز در نظام حقوقی و برخی قوانین موضوعه پس از انقلاب اسلامی مانند اصل ۱۶۷ قانون اساسی، ماده ۲۸۹ قانون اصلاح موادی از آئین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۶۱، ماده ۲۹ قانون تشکیل دادگاه‌های کیفری ۱ و ۲ شعب دیوان عالی کشور مصوب ۱۳۶۸/۴/۲۰، ماده ۲۱۴ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، ماده ۹ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب سال ۱۳۷۳ و ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی^۱ مصوب ۱۳۷۵ که ناظر بر عنوان مطلق «فعل حرام» یا «خلاف شرع» است، به‌وضوح قابل مشاهده است.

در سال ۱۳۶۱، با تصویب قانون «حدود و قصاص و مقررات آن»، طبقه‌بندی جرائم به کلی تغییر کرده و نظام کیفری شریعت مبنای دسته‌بندی نظام مجازات‌ها قرار گرفت. در این سال، در طی تغییرات و بازنگری‌هایی که در «قانون اصلاح موادی از قانون مدنی» صورت گرفت، کودکی و مناسبات مربوط به آن نیز، از زاویه شرعی و دینی مورد بازاندیشی قرار گرفت. تعیین مرز کودکی بر اساس سن بلوغ برای دختران و پسران تبلور اصلی این چرخش بود. به‌موجب مواد (۱۲۰۹) و (۱۲۱۰) قانون مدنی سال ۱۳۱۴،

۱. براساس ماده ۶۳۸ ق.م.ا.: «هرکس علناً در انظار و اماکن عمومی و معابر تظاهر به عمل حرامی نماید علاوه بر کیفر عمل، به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌گردد و در صورتی که مرتکب عملی شود که نفس آن عمل دارای کیفر نمی‌باشد، ولی عفت عمومی را جریحه‌دار نماید، فقط به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

قانون گذار بدون در نظر گرفتن جنسیت فرد، سن هجده سالگی را به عنوان سن اهلیت و استیفا در نظر گرفته و شخص بعد از پانزده سالگی تمام و اثبات رشد در دادگاه از حجر خارج می‌گشت. پس از انقلاب در سال ۱۳۶۱ به منظور انطباق کامل قانون مدنی با فقه، ماده (۱۲۰۹) حذف و ماده (۱۲۱۰) به این ترتیب تغییر کرد: «هیچ کس را نمی‌توان بعد از رسیدن به سن بلوغ به عنوان جنون یا عدم رشد مجبور نمود مگر آنکه عدم رشد یا جنون او ثابت شده باشد». بر اساس تبصره (۱) همین ماده، «سن بلوغ در پسر پانزده سال تمام قمری و در دختر نه سال تمام قمری است».

همچنین، برابر اصل ۱۶۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی، انحصار جرم‌انگاری توسط قانون ملغی و قاضی موظف گردید در مواردی که قانون سکوت کرده، با رجوع به منابع فقهی معتبر یا فتاوی قابل اعتماد حکم نماید. شورای عالی قضایی نیز به تمامی قضات دستور داد قضاوت‌های خود را صرفاً بر مبنای قوانین مدون اسلامی - شیعی و فتوای مراجع سرشناس انجام دهند.

تسلط رویکرد حقوقی و مداخلات قضایی - انتظامی

در صحنه سیاست گذاری آسیب‌های اجتماعی در ایران دهه ۶۰، رویکرد غالب در مواجهه با آسیب‌های اجتماعی، رویکرد حقوقی مبتنی بر مداخلات قضایی - انتظامی است و علل ساختاری، اجتماعی و اقتصادی آن‌ها بسیار کمتر مورد توجه بوده است. با سلطه رویکرد حقوقی، از یک سوی بر فرآیند جرم‌انگاری هرچه بیشتر و از سوی دیگر بر تشدید مجازات برای جرائم از پیش موجود تأکید می‌شود. در زمینه جرم‌انگاری، برای نمونه، می‌توان به اقدام شورای انقلاب اسلامی در تیر ۱۳۵۹ در «ممنوعیت کشت خشخاش و جرم - شناختن مصرف موادمخدر^۱»، «قانون اجباری شدن حجاب» (۱۳۶۰/۴/۳۰)، «تصویب لایحه

۱. ماده ۸ هر کس مواد مخدر مذکور در این قانون را بدون مجوز طبی استعمال نماید و یا معتاد ولگرد بوده، توسط مأموران دستگیر شود و یا به وسیله خویشاوندان و همسایگان معرفی شده باشد و ابتلا به استعمال مواد مخدر مورد تأیید پزشکی قانونی قرار گیرد، تحت تعقیب واقع و به شش ماه تا سه سال حبس جنحه‌ای و در صورتی که هرویین، مرفین و امثال آن (مواد مخدر مندرج در بند دوم ماده اول) استعمال نموده باشد به یک تا سه سال حبس جنحه‌ای محکوم

قصاص» (مرداد ماه ۱۳۶۲)، «تصویب قانون مجازات اسلامی» (۱۳۶۲/۵/۱۸) اشاره نمود. جرم تلقی کردن «تکدی گری» و «ولگردی» در ماده ۷۱۲ قانون مجازات اسلامی نیز از موارد دیگر جرم‌انگاری در گفتمان انقلابی است.

در زمینه تشدید جرائم نیز، در همان اوایل پس از انقلاب، قانون تشدید مجازات مرتکبان جرائم مواد مخدر در سال ۱۳۵۹ تصویب شد که به‌عنوان «یکی از شدیدترین احکام مصوب در این زمینه» (Sadeghi, Farajih & Habibzadeh & Omid, 2017: 83) شناخته می‌شود که در آن برای حمل و اخفا و نگهداری بیش از ۱ گرم مواد صنعتی برای بار اول و بیش از یک کیلو مواد سنتی، مجازات اعدام تعیین شد.

در سایه همین اعتقاد به سودمندی جرم‌انگاری و تشدید مجازات بود که حتی تا سال ۱۳۷۲ و تصویب آیین‌نامه مدارس، تنبیه بدنی و آزار جسمی و روحی کودک امری معمول در مدارس محسوب می‌شود.

موازی با تحولات در قانون‌گذاری، حسب ضرورت و شرایط زمانی و اجتماعی دوران انقلاب، ضمن تشکیل سازمان‌ها و نهادهای جدید، اقدامات امنیتی و انتظامی گسترده‌ای در قالب گشت‌ها، باهدف کنترل و تأمین امنیت مردم تدارک دیده شد. از جمله این گشت‌ها، می‌توان به گشت ثارالله جهت مقابله با تهدید انقلاب اسلامی، گشت کمیته انقلاب اسلامی جهت مراقبت، صیانت از امنیت و آسایش عمومی شهروندان و مقابله با بدحجابی و مواد مخدر و جرائم خیابانی، گشت جندالله جهت مقابله با سربازان فراری، گشت انصارالله (دادستانی انقلاب) جهت مقابله با احتکار و گران‌فروشی، گشت رعد (کمیته انقلاب اسلامی) جهت مقابله با منافقین، اشاره نمود؛ بنابراین، در پی گسترش جرم‌انگاری و تشدید مجازات و اقدامات امنیتی و انتظامی، «موجی از دستگیری و محاکمه، مصادره اموال و اعدام‌ها آغاز شد و سیل متهمان دستگیرشده به زندان قصر و دادگاه ویژه روانه شدند» (Etelaat NewsPaper, 1984/2/18 & Enghlabe Eslami NewsPaper, 1980/5/13)

خواهد شد، ولی دادگاه می‌تواند به جای مجازات حبس حکم به جزای نقدی متناسب با میزان مقرر یا تنبیه بدنی (هر کدام در ترک فعلی متهم مؤثر باشد) بدهد.

پاک‌سازی اخلاقی

یکی دیگر از مضامین سازمان‌دهنده مضمون «پاک‌سازی اخلاقی» است. این مضمون، از ترکیب مضامین پایه اتخاذ رویکرد عقیفانه در روابط اجتماعی و عفت عمومی در عرصه جامعه، جلوگیری از ترویج فرهنگ مبتذل و غربی از طریق ویدئو و سینما و حتی تلویزیون، جمع کردن کاباره‌ها و مشروب‌فروشی‌ها، پرهیز از آموزش اختلاط جنسیتی در مدارس و دانشگاه‌ها، مجامع عمومی و اتوبوس‌ها، ممنوعیت ورود فیلم خارجی، تصویب قانون بازسازی نیروی انسانی وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی، انتزاع یافته است.

انقلاب سال ۱۳۵۷، به‌عنوان «معرف نظامی جدید از اخلاق و سلوک اجتماعی» (Milani, 2004: 3)، مدعی برپایی جامعه اسلامی مبتنی بر ارزش‌ها و اخلاق اسلامی بود. بر این اساس، عدول از ارزش‌های اسلامی، عملی ناپسند تلقی شده و در زمره آسیب‌های اجتماعی محسوب گردید. یکی از ارزش‌ها و اصول سنت دینی و اسلامی، اتخاذ رویکرد عقیفانه در روابط اجتماعی و عفت عمومی در عرصه جامعه بود؛ بنابراین، عفت عمومی در عرصه سیاست‌گذاری، برجسته شده و هر چه که موجبات جریحه‌دار شدن آن را فراهم می‌آورد، با عناوین فساد، فحشا، ابتذال و ... به حاشیه رانده می‌شد. از جمله مواردی که عفت عمومی را جریحه‌دار می‌ساخت می‌توان از بی‌حجابی زنان، ترویج فرهنگ مبتذل و غربی از طریق ویدئو و سینما و حتی تلویزیون، کاباره‌ها و مشروب‌فروشی‌ها، آموزش مختلط در مدارس و دانشگاه‌ها، اختلاط جنسیتی در مجامع عمومی و اتوبوس‌ها ... و البته نیروی انسانی غیرانقلابی یاد کرد. تصور انقلابیون بر این بود که انقلاب اسلامی بری از هر نوع ابتذال، فحشا و آسیب است و این مسئله یا رهاورد فرهنگ غربی است و یا از رژیم پهلوی به‌جای مانده که پاک‌سازی جامعه از آن‌ها ضرورتی انکارناپذیر است. امام خمینی (ره)، به‌عنوان بنیان‌گذار انقلاب اسلامی، در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ بر این مسئله تأکید دارند:

«این آدم به‌واسطه نوکری که داشته، مراکز فحشا درست کرده. تلویزیونش مرکز فحشاست، رادیوش - بسیاری‌اش فحشاست ... در تهران مرکز مشروب‌فروشی بیشتر از کتاب‌فروشی است، مراکز فساد دیگر الی‌ماشاءالله است. برای چه؟ سینمای ما مرکز

فحشاست. ما با سینما مخالف نیستیم، ما با مرکز فحشا مخالفیم. ما با رادیو مخالف نیستیم، ما با فحشا مخالفیم...» (Imam Khomeini, 1999: 15).

فیلم‌های سینمایی آن دوران به‌عنوان عامل و مروج فساد شناخته شده و در پی آن از ۵۲۴ سینمای سراسر کشور، فقط ۳۱۳ سینما تقریباً برجای ماند. در کنار آن، ممنوعیت ورود فیلم خارجی نیز، از جمله اقدامات سیاست‌گذاران این دوره است.

از جمله دیگر سیاست‌های اعمال شده در راستای پاک‌سازی اخلاقی، ساماندهی و تنظیم روابط بین دو جنس از طریق سامانه جداسازی جنسیتی و سامانه حجاب بود. در متون دینی، روابط بدون ضابطه دو جنس منشأ بروز بسیاری از مسائل و آسیب‌ها به شمار می‌رود؛ بنابراین، از آنجاکه ساماندهی روابط میان مرد و زن، ریشه در عقلانیت متون دینی داشت، حاکمیت با تکیه به این اصل دینی و با استفاده از سیاست جداسازی جنسیتی به‌مثابه یک تکنیک، توانست بدون ابراز هر نوع مخالفتی با حضور زنان در عرصه عمومی، به تنظیم مناسبات اجتماعی بین دو جنس به شکل مطلوب خود پرداخته و هدف پاک‌سازی اخلاقی را محقق سازد.

به‌موازات اعمال سیاست جداسازی جنسیتی، تأکید بر ضرورت حفظ حجاب، سیاست دیگری به‌منظور پاک‌سازی اخلاقی بود. تفسیر انقلاب اسلامی از حجاب، متفاوت و در تضاد با تفسیر سیاست کشف حجاب بود. در سیاست کشف حجاب، حجاب به‌عنوان مانع توسعه شناخته می‌شد، اما در گفتمان انقلابی، علاوه بر برشمردن پیامدهای منفی و مخرب بی‌حجابی، از ظرفیت‌ها و توانمندی‌هایی که حجاب می‌توانست برای بانوان به ارمغان بیاورد، سخن به میان آمد. آیت‌الله ربانی شیرازی در این خصوص معتقد است: ما به زن از دیدگاه انسانی سازنده می‌نگریم، می‌خواهیم خانم‌ها کنار سایر مردم در کارها دخالت کنند (Etelaat NewsPaper, 1979/3/11).

با پیروزی انقلاب، پیاده‌سازی سیاست‌های مرتبط با حجاب به تدریج آغاز شد. از همان اوایل، زمزمه‌هایی مبنی بر لزوم رعایت حجاب اسلامی توسط زنان شنیده می‌شد، بدون آنکه پوشش مشخصی برای آن مشخص و یا قانونی در این باره وضع شده باشد.

کارمندان زن ادارات دولتی اولین گروهی بودند که سیاست‌های حجاب بر روی آنان اعمال شد. این دستوری بود که از سوی امام خمینی صادر شد: «در وزارتخانه اسلامی نباید زن‌ها لخت بیایند. زن‌ها بروند اما باحجاب باشند. مانعی ندارد بروند کار کنند لیکن با حجاب شرعی باشند (Keyhan NewsPaper, 1984/2/18). در پی این دستور، قانون بازسازی نیروی انسانی وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی در تاریخ ۱۳۶۰/۰۷/۱۵، تصویب و بر اساس آن عدم رعایت حجاب اسلامی به‌عنوان اعمال خلاف اخلاق عمومی معرفی شد. در ادامه و به‌موجب ماده ۱۸ بند ۱۰۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۲/۰۵/۱۸، زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و افکار عمومی ظاهر شوند به تعزیر تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهند شد؛ بنابراین، دادستانی تهران با صدور اطلاعیه‌ای در ۱۳۶۳/۵/۴، «به کلیه مسئولان در ادارات و سازمان‌های دولتی و شرکت‌ها و سایر واحدهای دولتی و خصوصی، اماکن عمومی از قبیل هتل‌ها، مسافرخانه‌ها، تالارها و باشگاه‌های برگزارکننده مجالس جشن عروسی، غذاخوری‌ها و سایر اماکن عمومی اعلام و ابلاغ می‌دارد از تاریخ انتشار این اطلاعیه موظف‌اند از ورود بانوانی که رعایت حجاب و پوشش صحیح اسلامی را نمی‌کنند جلوگیری به عمل آورند» (Jomhori Eslami NewsPaper, 1984/7/26). برای تکمیل پروژه پاک‌سازی اخلاقی درزمینه پوشش و حجاب، قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندگان لباس‌هایی که استفاده از آن‌ها در ملاء عام خلاف شرع است و یا عفت عمومی را جریحه‌دار می‌سازد، در تاریخ ۱۳۶۵/۱۲/۲۸، تصویب گردید.

یکی دیگر از مظاهر پاک‌سازی اخلاقی، در نحوه مواجهه با ویدئو قابل مشاهده است. این فناوری رسانه‌ای در واپسین سال‌های عمر رژیم پهلوی، به ایران وارد شد و به‌صورت محدود در اختیار درباریان و ثروتمندان قرار داشت. در این زمان، اثری از این رسانه نوظهور در جامعه و میان مردم دیده نمی‌شد. با پیروزی انقلاب اسلامی و کاهش رونق رسانه‌های جمعی همچون تلویزیون و تعطیلی سینماها، زمینه رشد و توزیع نوارهای ویدیویی فراهم شد. استفاده از ویدئو نخست در میان قشر مرفه و طبقات بالای جامعه شیوع یافت و دیری نپایید که بیشتر مردم با این رسانه جدید آشنا شدند و ورود دستگاه‌های

ویدئو به کشور سرعت گرفت. در چنین شرایطی، سیاست «ممنوعیت و مسدودسازی» با تأکید بر تأثیر منفی فیلم‌های مضر و غیراخلاقی شکل گرفت. مدتی پس از آن و در سال ۱۳۶۲ نیز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به‌عنوان گامی برای مبارزه با تهاجم فرهنگی، فعالیت ویدئوکلپ‌ها را ممنوع کرد. بدین ترتیب، تقریباً از سال ۱۳۶۲ تا سال ۱۳۷۲ در اختیار داشتن و خرید و فروش دستگاه‌های پخش ویدئو و نوارهای VHS در ایران ممنوع بود.

معلول‌محوری

یکی دیگر از مضامین استخراج‌شده، مضمون معلول‌محوری است که از ترکیب مضامین پایه تمرکز بر کنترل گروه‌ها و اقشار آسیب‌رسانان، تمرکز بر کنترل گروه‌ها و اقشار آسیب‌دیده (انقلابیون، زنان، کودکان، زندانیان، معتادان، تهی‌دستان، زاغه‌نشینان، آلونک‌-نشینان) و تمرکز بر خود آسیب‌ها، بی‌توجهی به علل آسیب‌ها، اتخاذ سیاست‌های مراقبتی، انتزاع یافته است.

منطبق بر جرم‌انگاری و تشدید مجازات‌ها، سیاست‌گذاری در این دوره در مواجهه با آسیب‌های اجتماعی تمرکز خود را بیشتر بر معلول‌های آسیب‌های اجتماعی معطوف نموده و نسبت به علت‌های موجد آن‌ها، کم‌توجهی کرده‌اند. به همین منوال، توجهشان هم در حوزه درمان و هم در حوزه پیشگیری، بیشتر بر کنترل گروه‌ها و اقشار و آسیب‌دیدگان اجتماعی بوده است تا شناسایی علل وقوع خود آسیب‌ها. به‌عنوان مثال در مفاد برنامه اول توسعه، بند ۹-۱۲ بر انجام مراقبت از خروج زندانیان و خانواده‌های آن‌ها، بند ۵-۶ برنامه، بر تعمیم بیمه‌های اجتماعی به‌عنوان راهی برای کنترل گروه‌های آسیب‌پذیر، در برنامه دوم توسعه نیز، در بند ۷ خط‌مشی‌های اساسی، بر حمایت از ایثارگران و بسیجیان و رزمندگان و اقشار نیازمند و آسیب‌پذیر، در بند ۱۱ خط‌مشی‌های برنامه مزبور، بر «جهت دادن کمک‌های انتقالی دولت در بودجه عمومی در قالب سوبسیدها، بخشودگی‌ها، عوارض، مالیات و سایر تسهیلات و امتیازات در راستای حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و نیازمند و محرومیت‌زدایی» تأکید شده است؛ بنابراین، معلول‌محوری و آسیب‌دیده‌محوری به‌عنوان

یکی از مضامین سازمان‌دهنده در عرصه سیاست‌گذاری آسیب‌های اجتماعی در ایران دهه ۶۰ محسوب می‌شود.

اتخاذ رویکردهای حمایتی: حمایت از مستضعفین

سیاست‌گذاران، در ادامه توجه به آسیب‌دیدگان اجتماعی، اتخاذ تدابیر حمایتی را موردتوجه قرار داده‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به ایده «حساب ۱۰۰ امام»، راه‌اندازی تعاونی‌های روستایی مصرف‌کنندگان و تشکیل شوراهای محلات، حمایت و پشتیبانی از تأسیس خیریه‌ها و بنیادهای حمایتی از جمله بنیاد هدایت اسلامی ۱ و ... اشاره نمود.

یکی از مهم‌ترین سیاست‌های حمایتی در دوران انقلاب، طرح مداوم مفهوم عدالت اجتماعی و برجسته‌سازی مفهوم مستضعفین بود. از نظر قاراخانی (۲۰۱۶)، در ایران سیاست‌های اجتماعی به‌ویژه از زمان شکل‌گیری دولت مدرن و پس از آن توسط دولت‌های بعد از انقلاب ۱۳۵۷ با طرح مسئله عدالت اجتماعی دنبال شده است. مسئله‌ای که به‌کرات در شعارها، خطابه‌ها و سخنرانی‌های مقامات و هم در میان مردم همیشه جزو اهداف اصلی انقلاب شمرده می‌شد. در این ارتباط، در زبان رسمی مقامات، تهی‌دستان، زاغه‌نشینان، آلونک‌نشینان، کوخ‌نشینان، ستم‌دیدگان و ... برای اشاره به افرادی مورد استفاده قرار می‌گرفت که همیشه مورد بی‌عدالتی واقع شده‌اند؛ بنابراین بی‌عدالتی به‌عنوان یک آسیب اجتماعی برجسته شده و واژه مستضعفین به‌عنوان یک مضمون اصلی بازنمایی و مورد استفاده قرار گرفت تا جایی که انقلاب اسلامی را، «انقلاب مستضعفین» و «انقلاب پایمال‌شده‌ها» و دهه اول انقلاب را «دهه مستضعفین و حمایت از آنان» می‌دانند.

در آن سال‌ها، استضعاف، نتیجه سیاست‌های دوران پهلوی دانسته می‌شد که می‌-

۱. در سال ۱۳۵۸ با تلاش چند نفر از بازاریان و اعضای حزب مؤتلفه و پس از اخذ مجوز از امام خمینی (ره)، بنیادی تحت عنوان «بنیاد هدایت اسلامی» راه‌اندازی شد. بنیاد مذکور به منظور رفع مشکلات عمدتاً مالی و نیز نداشتن سر پناه و همسر زنان چاره‌جویی و اقدام نموده و حتی بخشی از آنان با کمک بنیاد به سوی خانواده‌هایشان بازگشتند. بنیاد هدایت اسلامی، بعد از چند سال و برای پیشگیری از بازتولید موارد مشابه، اقدام به تأسیس و راه‌اندازی مدرسه شبانه-روزی مخصوص دختر بیچه‌های خیابانی ۷-۸ ساله نمود (Hosseini, 2005: 105-108).

بایست در نظام جدید از میان برداشته شود؛ بنابراین، تعاونی‌های روستایی مصرف‌کنندگان و شوراهای محلات به‌عنوان حلقه‌های واسطه بین انقلابیون و مستضعفین و در راستای کاهش آلام آنان تشکیل و بنیادی به همین نام، در سال ۱۳۵۸ تأسیس می‌گردد.

سیاست مواجهه با مستضعفین در آن دوران، مبتنی بر پشتیبانی، تساهل و حمایت از مستضعفین بود. در این راستا، در سیاست‌های کلی برنامه‌ی اول توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸-۷۲) «اولویت دادن به تأمین مسکن برای اقشار محروم و روستاییان کشور» به‌عنوان یک سیاست کلی مورد تأکید قرار گرفت. در ادامه سیاست‌های حمایتی و هم‌زمان با تشکیل بنیاد مسکن انقلاب اسلامی است. اقدام قابل توجه دیگر در حمایت از مستضعفان و به‌طور ویژه افراد فاقد مسکن، گسترش رسمی محدوده شهر تهران در سال ۱۳۵۹ بود. در این سال، شهرداری تهران، به شکل رسمی محدود شهر را از ۲۲۵ کیلومتر به ۵۲۰ کیلومتر افزایش داد و در نتیجه، بسیاری از جوامع حاشیه شهر با دریافت خدمات شهری به رسمیت شناخته شدند. با این وجود، اشغال ساختمان‌های مسکونی، خانه‌ها و هتل‌ها یکی از نخستین چالش‌های مقامات مسئول حکومت جدید در دوران انقلاب را تشکیل می‌داد (Bayat, 2017: 126).

مضمون فراگیر: سیاست گذاری انقلابی

با مذاقه در چگونگی شرایط سیاسی اجتماعی حاکم بر دهه ۶۰ و دقت نظر پیرامون مضامین استخراج شده، «مضمون سیاست گذاری انقلابی» به‌عنوان مضمون فراگیر بر ساخت شد. با این توضیح که مراد از انقلابی، به‌طور خاص انقلاب اسلامی نیست بلکه شرایط انقلابی حاکم بر جامعه است؛ بنابراین مراد از سیاست گذاری انقلابی نیز، نه سیاست گذاری انقلاب اسلامی، بلکه آن نوع سیاست گذاری‌ای است که متأثر از شرایط انقلابی و در حال تغییر جامعه به وقوع پیوسته است.

در این نوع سیاست گذاری، جریان‌های اجتماعی و سیاسی به انقلابی و ضدانقلاب تقسیم‌بندی شده و منحرفین، مجرمین و آسیب‌رسانان، در مقام دیگری، در زمره ضدانقلاب یا کسانی که توسط ضدانقلابی‌ها اغفال شده‌اند، غیریت‌سازی شدند. در دهه ۶۰، یکی از

نمادهای بارز انقلابی‌گری مبارزه با همین دست مردمان بود. در واقع آن‌ها در کنار نیروهای مهاجم خارجی به‌مثابه موج داخلی دشمن فهم می‌شدند. Mohammad kourehpaz, (Hossein & Naderi, Hamid, 2022: 33).

دیگری گفتمان انقلابی دو گروه هستند: رژیم پهلوی و افراد وابسته به آن و استکبار جهانی. بر این اساس، عقیده بر این است که جرم، آسیب و انحراف در ذات انقلاب موجود نیست و هر آنچه هست یا میراث حکومت گذشته است و یا استکبار جهانی آن را از طریق نفوذ فرهنگ و تمدن غربی به وجود آورده است. به بیان دیگر، انحرافات و آسیب‌های اجتماعی، به‌مثابه بازمانده فرهنگ و تمدن دوران طاغوت و نوعی رفتار ضدانقلابی پنداشته می‌شود که استعمارگران برای نابودی اسلام و انقلاب اسلامی از آن حمایت می‌کنند. این مسئله را می‌توان در قانون اساسی و سایر اسناد و مواضع انقلابیون به‌وضوح مشاهده کرد.

در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز، ریشه ستم مضاعف به زنان در طاغوتی بودن حاکمیت و استثمار توسط نیروهای خارجی دیده شده و موضوع لزوم جبران ستم دیدگی مضاعف زنان و استیفای حقوق آنان مورد تأکید قرار گرفته است. نمونه دیگر آن را می‌توان در «لایحه قانونی تأسیس دادگاه‌های فوق‌العاده برای رسیدگی به جرائم ضدانقلاب»، مشاهده نمود. طبق ماده ۴ لایحه مذکور، مواد مخدر، تصرف غیرقانونی و ارتشا در زمره جرائم ضدانقلاب قرار گرفت. تصرف‌کنندگان زمین هم در زمره کسانی بودند که با انقلاب همراهی نداشته و انقلابی محسوب نشدند: «این‌ها فرصت‌طلبانی هستند که از حسن نیت رهبری نظام سوءاستفاده کردند. اینان زمانی این آپارتمان‌ها را به‌طور غیرقانونی اشغال کردند که مردم مبارز درگیر مبارزه مسلحانه برای انقلاب بودند» (Ayandegan NewsPaper, 1984/3/7). همچنین، انقلابیون، ریشه مهاجرت بی‌رویه روستاییان به شهرها را «سیاست‌های غلط رژیم گذشته، به‌ویژه برنامه‌های اصلاحات ارضی» (Etelaat NewsPaper, 1985/3/4) یا «به‌عنوان یک توطئه حساب‌شده از سوی دشمنان

برای به دام انداختن روستاییان در شهرها» (Etelaat NewsPaper, 1984/3/7) و نیز به مثابه «یک تهدید بزرگ برای انقلاب و جمهوری اسلامی» (Etelaat NewsPaper,) (1984/3/7) می‌دانستند.

در ادامه بر اساس مضامین شناسایی شده، شبکه مضامین سیاست گذاری آسیب‌های اجتماعی در ایران دهه ۶۰ ترسیم می‌گردد.

شکل ۲. ساختار شبکه مضامین سیاست گذاری آسیب‌های اجتماعی در ایران دهه ۶۰

Fig 2. The structure of the thematic network of social Harms policy in Iran in the 1960s



بحث و نتیجه‌گیری

از آنجا که سیاست‌گذاری و تدوین راهبردهای سیاستی مؤثر در زمان حال، نیازمند رصد نقادانه سیاست‌گذاری‌های آسیب‌های اجتماعی است، در نتیجه در این پژوهش سعی گردید، ضمن شناسایی معایب سیاست‌گذاری آسیب‌های اجتماعی در دهه ۶۰، به فهم درست جامعه و سیاست‌مداران از سیر تطور و پیامدهای کنش‌ها و مداخلات در حیطه موضوعات و مسائل اجتماعی، از یک‌سوی و بسترسازی مناسب برای آینده سیاست‌گذاری آسیب‌های اجتماعی مسیری مطمئن‌تر کمک گردد. برابر یافته‌های حاصل از پژوهش، جامعه ایرانی در دهه ۶۰، جامعه‌ای انقلابی، همراه با تنش‌ها، تلاطم‌ها و ناآرامی‌های بسیاری بوده که عمدتاً ناشی از خلأ سیاست‌گذاری و تولی‌گری سیاستی بود؛ بنابراین، برای رفع این خلأ به سرعت نهادهای سیاست‌گذار تشکیل و سیاست‌های منطبق با شرایط اجتماعی و سیاسی حاکم بر آن دوران، تدوین گردید. سیاست‌گذاری حاکم بر شرایط مزبور، در این تحقیق با عنوان «سیاست‌گذاری انقلابی» برجسته شد که از سرهم‌بندی مضامینی از قبیل هم‌نشینی گناه/جرم/آسیب، سلطه رویکرد حقوقی و مداخلات قضایی-انتظامی، پاک-سازی اخلاقی، سیاست‌گذاری حمایتی و مواجهه با معلول‌ها و نه‌علت‌ها، معنا یافته بود. در سپهر سیاست‌گذاری آسیب‌های اجتماعی در دهه ۶۰، ابعاد اجتماعی سیاست‌گذاری آسیب‌های اجتماعی به نفع ابعاد حقوقی و قضایی کمتر مدنظر قرار گرفته، همچنین، در خصوص رویکرد حمایتی نیز آنچه مشهود است، توجه بیشتر به حمایت‌های عمدتاً مادی از مستضعفین و محرومان است و سیاست‌ها و احکام سیاستی چندانی در خصوص توانمندسازی آن در نظر گرفته نشده است. برابر تفکیک مشونیس از سه نوع سیاست-گذاری محافظه‌کار، لیبرال و رادیکال، می‌توان نتیجه گرفت که اگرچه گفتمان انقلابی هیچ قرابتی با رویکردهای چپ نداشته و از بنیان‌های فلسفی و گفتمانی متفاوت‌تری برخوردار است، اما از آنجا که وجود آسیب‌های اجتماعی را اساساً گواهی برای نقصان کل نظام حاکم می‌دانست در زمره سیاست‌گذاری‌های رادیکال محسوب شده و به غیریت-سازی سایر رویکردهایی که به عنوان دیگری گفتمانی در پی اصلاح یا حفظ وضع موجود

بودند، پرداخت.

مطابق دستگاه نظری حکومت‌مندی فوکو، سیاست‌گذاری انقلابی در حوزه آسیب‌های اجتماعی، به‌مثابه عقلانیت حکومت، پس از «به مسئله تبدیل کردن» آسیب‌های اجتماعی، به تکنیک‌ها یا شیوه‌هایی ره می‌برد که رفتار سوژه‌ها را در جهت حصول اهداف خود آماج تنظیم اجتماعی قرار داده و به دنبال به‌هنجارسازی سوژه‌ها در قالب مفاهیم «انقلابی» و «مستضعف» هستند. در واقع، سلطه رویکرد حقوقی و مداخلات قضایی-انتظامی، هم‌نشینی گناه/جرم/آسیب، پاک‌سازی اخلاقی، سیاست‌گذاری حمایتی و مواجهه با معلول‌ها و نه علت‌ها، شیوه‌ها یا تکنیک‌های حکومت هستند که به‌صورت آگاهانه در درون نهادهای معینی تعبیه‌شده و کارویژه‌ی انضباطی دارند. هدف این تکنیک‌های حکومت، در سطح بدن‌ها و ذهن‌ها، تربیت سوژه انقلابی است.

نکته قابل تأمل و البته مثبت در جریان هژمون شدن، تدوین و اجرای سیاست‌های مزبور، پذیرش اجتماعی و همراهی مردم با آن سیاست‌ها بود. به‌عنوان نمونه می‌توان همراهی مردم را در جریان اجرای حدودی همچون اعدام درملاءعام که پس از انقلاب اسلامی و در قالب وقته تشدید مجازات علنی شده بود را مثال زد. با توجه به تک‌ساختی بودن جامعه در دوره مزبور، اقناع عمومی برای پذیرش سیاست‌های اجتماعی معطوف به آسیب‌های اجتماعی از نوع توده‌گرایی بود، اما اینک و بعد از سپری شدن سالیانی چند همراه با تغییر و تحولات بسیار، جامعه ایران یک جامعه چندساختی است؛ بنابراین، از آنجا که پذیرش اجتماعی هر نوع سیاستی، ضامن موفقیت و به ثمرنشتن آن سیاست است؛ توصیه می‌شود، اقناع عمومی و کسب پذیرش اجتماعی سیاست‌گذاری‌ها، مبتنی بر اقناع افکار عمومی از مسیر نهادهای مدنی باشد.

تشکر و سپاسگزاری

از همه کسانی که به صورت‌های مختلف ما را در انجام این پژوهش یاری رساندند، کمال تشکر و قدردانی را داریم.

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

تمامی اصول اخلاق پژوهش در مقاله رعایت شده است.

حامی مالی

این پژوهش هیچ‌گونه کمک مالی از سازمان‌های دولتی، خصوصی و غیرانتفاعی دریافت نکرده است.

مشارکت نویسندگان

تمامی نویسندگان در نگارش این مقاله مشارکت داشته‌اند.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Mahdi Kaveh  <http://orcid.org/0000-0003-4891-0970>
Mansour Tabiee  <http://orcid.org/0000-0002-8409-1979>
Mahmood Shahabi  <http://orcid.org/0000-0002-9091-2411>
Habib Ahmadi  <http://orcid.org/0000-0003-3250-5823>

References

- Abedi jaefari, H., Taslimi, M., Faghihi, A., Shikh zadeh, M., (2017). Thematic Analysis and Thematic Matrix, *Strategic Management Thought*, 2(10). (PP. 151-198).
- Amjadi, H., Motallebi, M., Ganji, G. (2020). Comparative Analysis of Socio-welfare Policies in Ahmadinejad's and Rouhani's Governments. *Journal of Iranian Social Development Studies*. 12(47). (PP. 177-191).
- Boyatzis. (1998). *Transforming Qualitative Information*. Cleveland: Sage.
- Braun, V. &. (2006). Using Thematic Analysis In Psychology. *Qualitative Research in Psychology*, (PP. 77-101).
- Burchell, G., Colin, G., & Peter, M.)1991(. *Foucault effect: Studies in Governmentality, with two lectures by and an interview with Michel Foucault*. Chicago: University of Chicago Press.
- Foucault, M. (1985). *Discourse and Truth. The Problematization of Parrhesia*, ed. by J. Pearson, Northwestern University: Evanston/Illinois.
- Foucault, M. (2017). *Discourse and trust*, Translated by: Ferdowsi, A. Tehran: Dibaye Publication. [in Persian].
- Glassman, M., Karno, D., & Erdem, G. (2010). The problems and barriers of RHYA as social policy, *Children and Youth Services Review*, 32 (32), (PP. 789-806).
- Gunnar, S. (2014) Away with tobacco? On the early understandings of tobacco as a problem and the associated attempts at political regulation of tobacco in Norway 1900–1930, *Nordic Studies on Alcohol and Drugs*, VOL. 31. (PP. 5-26).
- Habibporgatabi, K. (2014). Sociology of Educational Policy in Iran through Governmentality Lens. *Social Development and Welfare*. 6 (21). (PP. 223-284).
- Hadi zenooz B. (2005). Poverty and Inequality of Income in Iran. *Social Welfare Quarterly*, 5 (17). (PP. 165-206).
- Inda, J.)2005(. *Anthropologies of modernity: Foucault, governmentality, and life politics*. Australia, Victoria: Blackwell Publishing Ltd.
- Jalaeipour, H, R., Saeidi, A., Habibipour, K. (2020). Analyzing Social Policy with Governmentality Lens. *Journal of Sociologicaj Review*. 19 (2). (PP. 167-200).
- Khashei, V., Mostame, R. (2013). Policy Making in the State of Socio-cultural Anomie, *Culture-communication Studies*. 24 (14). (PP. 63-81).
- kourehpaz, M., Hossein & Naderi, H. (2022) A Consideration on the Epistemological Foundations of the justification of State Punitiveness based on the Construction of the Enemy from the Offenders, *Criminal*

- Law Research*, Articles in Press, Accepted Manuscript Available Online from 17 April 2022.
- Lemke, Thomas (2000) Foucault, governmentality and critique, *paper presented at the Rethinking Marxism Conference*. University of Amherst MA, (PP. 21-24).
- Marston, G., & McDonald, C. (Eds.). (2006). *Analysing Social Policy: A Governmental Approach*. Cheltenham, UK. Northampton, MA, USA: Edward Elgar Publishing.
- Milani, M. (2006). *The making of Iran's Islamic revolution: form monarchy to Islamic republic*, Translated by, Atar Zadeh, M, Tehran: Game Noo Publication. [in Persian].
- Mirzamohammadi, A. (2015). *Analysis of Discourse Construct of Social Control Laws of the Islamic Parliametary Council (Majlis)*, Ph.D in Sociology (Social Problems of Iran) Department of Social science, Payame Noor University. [in Persian].
- Neuendorf, K. (2016) *The content analysis Guidebook*, translated by, bakhshi & jalaeian bakhshandeh, mashhad: jahad daneshgahi.
- Nourbakhsh, Younes & naderi, hamid (2020). Analysis of changes in the types of State-Society relations in the formation of social issues and the occurrence of anomic status, *Sociological Review*, Volume 27, Issue 1, (PP. 199-222).
- Parvahi, S., Mousaei, M. (2020). Exclusion of Ageing in Social Policy Analyzing Development Plans after the Revolution. *Journal of Social Problems of Iran*.. 8 (28). (PP. 59-83).
- Patton, M. (2002). *Qualitative research and evaluation methods*. Thousand Oaks: California.
- Piran, P. (2003). Social Policy, Social Development and it's Necessity in Iran The Criticism of Copenhagen Convention.. *Social Welfare Quarterly*. 3 (10). (PP. 121-154).
- Program and budget organization. (1368). *Law of the First Economic, Social and Cultural Development Plan of the Islamic Republic of Iran*.
- Program and budget organization. (1368). *Law of the Secend Economic, Social and Cultural Development Plan of the Islamic Republic of Iran*.
- Qarakhani, M. (2011). Social Policy Research in Iran. *Social Development and Welfare*. 3 (9). (PP. 123-148).
- Qarakhani, M. (2013). The Government and Health Policy in Iran (1981-2009). *Journal of Social Sciences*. 20 (61). (PP. 211-254).
- Qarakhani, M. (2014). Conditions of Possibility and Reasons for Preventing the Establishment of the Interdisciplinary of "Social Policy" in Iran. *Journal of Social Sciences*. 6 (2). (PP. 33-55).
- Qarakhani, M. (2017). Social Policy in Iran: The Gap Between the State and the Nation. *Interdisciplinary Studies in the Humanities*. 23 (75). (PP.

- 93-118).
- Qarakhani, M. (2019). Non-Uniformity Social Policy in Iran (Education and Employment of Women). *Journal of Social Sciences*. 9 (2). (PP. 95-114).
- Qarakhani, M. (2020). *Government and social policy in Iran*. Tehran: Agah Publication. [in Persian].
- Rose, N. and Miller, P (1992) 'Political power beyond the state: problematics of government', *British Journal of Sociology* 43, 2. (PP. 172-205).
- Sadeghi, A., farajiha M., habibzade, M., Omidi Jalil, J (2017). Comparative study of the consequences of sentencing in drug crimes based on the quantity of drugs in the legislative system of Iran and the United States of America. *Comparative Law Researches (CLR)*; 21 (1). (PP. 81-104).
- Saeidi, ali asghar (2011). *Social policies, Iran's social situation report (2001-2009)*, Tehran: Rahman Institute.
- Sam Aram, E, A., Hosseini haji bakandeh, S, A., Mousavi, H. (2017). Social Policy-Making in the Field of Social Harms in the Laws of the Country's Development Plan. *Social Welfare Quarterly*, 9 (1). (PP.

استناد به این مقاله: کاوه، مهدی، طبعی، منصور، شهابی، محمود، احمدی، حبیب. (۱۴۰۰). سیاست گذاری آسیب‌های اجتماعی در دهه ۶۰، فصلنامه علوم اجتماعی، ۲۸(۹۵)، ۱-۳۵.

DOI: 10.22054/qjss.2022.67728.2521



Social sciences is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License...

